

مشکلات رفتاری (۱)

● مشکل پرستو

● شهلا فرقانی کارشناس مسئول مشاوره

دفتر مشاوره و تحقیق معاونت پرورشی ● تنظیم: جعفر رونقی خامنه‌ای

● شرح مشکل

از طریق امور تربیتی دبستان دخترانه دانش‌آموزی به نام «پرستو» به دفتر مشاوره و تحقیق معاونت پرورشی معرفی شد. طبق گزارش اولیای مدرسه، «پرستو» دانش‌آموز کلاس چهارم از دو هفته قبل (حدود یک ماه پس از شروع مدرسه) بعد از حاضر شدن در مدرسه گریه کرده و در کلاس درس آرام نمی‌گرفت. به طوری که معلم «پرستو» از مادرش می‌خواهد که به مدرسه بیاید و در دفتر مدرسه بنشیند تا «پرستو» با آرامش خاطر در کلاس درس حاضر شود، اما او در طی روز، چندین بار با گریه از کلاس خارج می‌شود و حاضر به بازگشت به کلاس نمی‌شود. از امور تربیتی مدرسه خواسته شد که «پرستو» و مادرش به مرکز مشاوره مراجعه کنند.

● جلسه اول

در روز مقرر «پرستو» و مادرش در دفتر مشاوره حاضر شدند. از «پرستو» خواستم که در اتاق دیگری با من بنشیند تا با هم صحبت کنیم و مادرش نیز در اتاق جنبی حضور داشتند. او شروع به گریه کرد و گفت که من نمی‌توانم تنها بمانم. از او خواستم تا در باز گذاشته و از بودن مادرش در اتاق جنبی اطمینان حاصل کند. بعد از این که آرامش پیدا کرد، برای ایجاد رابطه

■ شناسایی

جنس: دختر

نام: پرستو

سن: ۱۱ سال

کلاس: چهارم ابتدایی

تاریخ ارجاع: ۶۸/۸/۱۰

● مقدمه

یکی از متداول‌ترین مشکلات رفتاری کودکان بخصوص در سنین دبستان ترس از مدرسه می‌باشد و حدود ۱ تا ۱/۷ درصد و در بعضی مناطق بین ۵ تا ۸ درصد این مشکل دیده می‌شود.

این گونه کودکان دارای مشخصات زیر می‌باشند:

— خودداری از حضور در مدرسه همراه با واکنشهای دیگری نظیر دل درد، تهوع، سردرد، سرگیجه و ضعف عمومی

— تنها از مدرسه ترس دارند ولی در خانه مشکل ندارند.

— از جدایی والدین بخصوص مادر دچار اضطراب و نگرانی شدید می‌شوند.

— معمولاً گوشه گیر بوده و شروع به گریه می‌کنند.

اینک توجه خوانندگان عزیز را به مشروح جریان درمان این مشکل، در طی ۳ جلسه و روشهای به کار گرفته شده جلب می‌نمایم.

حرفه‌ای شروع به صحبت گرم و صمیمی کردم او را نیز به حرف زدن واداشتم. نام مدرسه و مشخصات خود و خانواده‌اش و آدرس محل سکونت را پرسیدم. در چهره او حالت وحشت و اضطراب موج می‌زد و مرتب به اتاقی که مادرش در آن بود نگاه می‌کرد. بعد از صحبت و تعارف مختصر یک برگ کاغذ سفید و مداد و مدادپاک کن در اختیار او گذاشتم و از او خواستم تصویر یک آدم را برای من نقاشی کند. او مشغول نقاشی بود که از من درباره مادرش و این که شاید اتاقی که مادرش که در آن نشسته است دو در داشته باشد و مادر از در دیگری خارج شود، سؤال کرد. به او فرصت دادم که در اتاق را باز کند و از حضور مادرش اطمینان حاصل کند. «پرستو» تصویر یک زن و یک بچه کوچک را نقاشی کرد.

آزمون تصویر آدمی علاوه بر این که برای اندازه‌گیری بهره‌های هوشی استفاده می‌شود، برای ارزشیابی شخصیت نیز کاربرد دارد. نقاشی آدمک به عنوان یکی از روشهای ارزشیابی شخصیت چه در مورد کودکان و چه برای بزرگسالان مطرح است. روش اجرای آزمون بدین صورت است که از کودک می‌خواهند تصویر کاملی از یک شخص را بکشند. روانشناس با مشاور با توجه به کیفیت نقاشی، سؤالاتی را در مورد تصویر نقاشی شده از کودک می‌پرسد و با سؤالیهای هدایت شده، سعی در شناخت و تشخیص ویژگیهای شخصیتی فرد می‌کند. بدیهی است که تجزیه و تحلیل نتایج این آزمون باید با در نظر گرفتن تاریخچه زندگی فرد و مشاهده رفتار او در محیط زندگی و گرفتن شرح حال مراجعه کننده از معلمین و والدین، همراه شود در این صورت می‌توان فرضیه‌هایی را که از نقاشی بدست آمده پذیرفت یا مردود شمرد.

تحقیقات انجام شده درباره ارتباط

نقاشی و شخصیت اثبات کرده است که «کودک وقتی شکل آدمی را می‌کشد، قبل از هر چیز خود و یا درکی را که بدن و نمایانش دارد بیان می‌کند. در واقع بین بعضی خطوط آدمک نقاشی شده و خصوصیات روانی و رفتاری و جسمی کودک که آن را کشیده، ارتباط‌های مشخصی وجود دارد.»^۱ «نقاشی‌هایی که در آن پیکر انسان نمایانده می‌شود دارای معنی عاطفی نیز هست و امنیت و سازگاری اجتماعی کودک را نشان می‌دهد.»^۲

اینک توجه خوانندگان عزیز را به جریان مصاحبه جلب می‌نمایم. ضمناً جهت اختصار مصاحبه گریبا حرف م و مراجعه‌کننده با حرف پ معرفی شده‌اند.

مصاحبه‌گر: دخترم می‌توانی بگویی اینها چه کسانی هستند.

پرستو: یک مادر و دخترش
م: مادر این دختر چه جور مادری است.

پ: خیلی خوب است همیشه مواظب دخترش است.

م: چه جوری مواظبت می‌کند

پ: اگر زمین بخورد او را بلند می‌کند، برای او غذا می‌پزد، لباسهای او را می‌شوید و همیشه همراه اوست.

م: منظورت این است که هیچوقت دخترش را تنها نمی‌گذارد.

پ: چرا بعضی وقتها.

م: در این موقع او چکار می‌کند.

پ: می‌ترسد و گریه می‌کند.

م: چرا؟

پ: آخر ممکن است مادرش دیگر برنگردد.

م: دیگر چی؟

پ: ممکن است بمیرد.

[به نظر می‌رسد مراجع به نکته اصلی اشاره کرده است و علت ترس او تا حدودی برای مصاحبه‌گر مشخص شده است. ولی مصاحبه‌گر برای اطمینان این

فرضیه سئوالات بعدی را مطرح می‌کند.]
م: هیچوقت شده که مادر او را تنها بگذارد.

پ: بلی
م: می‌توانی برای من، جریان را کاملاً تعریف کنی.

پ: یک روز که از مدرسه آمدم دیدم که مامانم در منزل نیست و فقط بابام در خانه بود. وقتی پرسیدم مادر کجاست، گفت کلاس خیاطی رفته است. مادرم تا شب نیامد و برق منزل هم خاموش شد. من و برادر کوچکم تنها تو اتاق نشسته بودیم و پدرم نیز مشغول کارهای خودش بود. هر دویمان می‌ترسیدیم و گریه می‌کردیم. هنوز برقا خاموش و خانه تاریک بود که مادرم آمد.

[در اینجا مکث کرد و شروع به گریه کرد و به اتاق دیگری نگاه می‌کرد مصاحبه‌گر از او خواست مجدداً به اتاق برود و بعد از دیدن مادرش دوباره برگردد، سپس سئوالات را ادامه داد.]

م: مطمئن شدی که مامانم در اتاق دیگری منتظر توست و تو را تنها نگذاشته است. حالا ممکن است بگویی که بعد از آن باز هم مامان ترا تنها گذاشته است؟

پ: بلی، روز بعد نیز وقتی از مدرسه آمدم لباسهایش را پوشید تا به خرید برود من شروع به گریه کردم و نگذاشتم برود مادرم گفت تو بزرگ شدی و باز هم مرا تنها گذاشت و رفت ولی این دفعه زود برگشت.

م: چرا گریه کردی؟ فکر کردی اگر مادرت بیرون برود چه می‌شود؟

پ: آخر دلم تنگ می‌شود و می‌ترسم برق دوباره خاموش بشود.

م: غیر از این دیگر چه فکر می‌کنی؟

پ: فکر می‌کنم، او بمیرد.

م: چرا؟ مگر هر کسی به خیابان برود می‌میرد.

پ: ممکن است بمیرد و من تنها بمانم.

م: مثل کی تنها بمانی، مگر تا به حال کسی چیزی گفته است.

پ: بلی مادر خودم وقتی دوازده ساله بود، مادرم می‌میرد و او مجبور می‌شود که از برادر کوچک و پدرش مواظبت کند و نیز به مدرسه برود. مادرم خیلی سختی کشیده است، خودش برایم تعریف کرده است. او رخت می‌شست، غذا می‌پخت، درس می‌خواند و حتی وقتی که ازدواج کرده بود تا مدت‌ها در منزل پدرش کار می‌کرد.

م: وقتی مادرت آن دو دفعه بیرون رفت و تو در منزل تنها بودی، آیا فقط فکر می‌کردی مادرت می‌میرد یا فکر دیگری نیز می‌کردی.

پ: وقتی برادرم در تاریکی پهلوی من نشسته بود، یاد حرفهای مادرم می‌افتادم و می‌دیدم که من نمی‌توانم از برادرم و پدرم مواظبت کنم. برای همین مرتب گریه می‌کردم و دعا می‌کردم تا مادرم نگیرد و آن وقت به خودم قول دادم که دیگر از مادرم جدا نشوم و او هر جا رفت با او بروم تا اگر او مُرد من هم با او بمیرم.

م: [در اینجا با قیافه متعجب] یعنی واقعاً دلت می‌خواهد بمیری؟

پ: نه، من از مُردن می‌ترسم ولی اگر مادرم بمیرد و من کوچکم نمی‌توانم همه کارها را انجام دهم.

م: لحظه‌ای مکث کرد تا از حالت هیجانی پرستو کاسته شود و سپس به نرمی و آرامی: دخترم زندگی لحظه‌های خوب و خوش و به یاد داشتی دارد و اگر حادثه‌ای اتفاق بیفتد باید با آن مقابله کرد همان طور که مادرت الآن خوشبخت است و او شما را دارد و اگر شما همیشه به این فکر باشی و بخواهی دست مادرت را بگیری و با او به هر کجا که می‌رود، بروی از طرف دوستان مورد تمسخر واقع می‌شوی، و همه فکر می‌کنند که تو هنوز خیلی کوچکی و نمی‌توانی بدون مادرت در خانه و مدرسه تنها بمانی. با شوخی به او گفت یک کاری می‌کنم که بچه‌ها به تو نخندند، یک سر نخ نایلونی را به لباس مادر و سر دیگرش را به لباس شما

می‌بندیم تا هر جا که مادرت رفت تونیز پشت سر او بروی، او خندید و خجالت کشید. در اینجا حالت آرامش پیدا کرده بود فرصت بسیار مناسب و برنامه‌ درمانی آغاز شد.

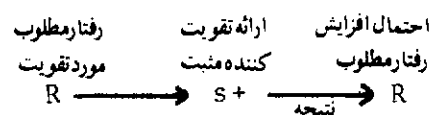
● روش درمان: تغییر تدریجی رفتار
[براساس تحقیقات انجام شده، می‌توان مشکلات رفتاری را با استفاده از شیوه‌های اصلاح رفتار تغییر داد. در این روش پاداش یا تقویت مثبت و تقویت منفی اساس درمان است.

روش تقویت مثبت تقریباً همان روش پاداش است. مقصود از این کار، تشویق دانش‌آموزان به تکرار و ادامه رفتارهای مطلوب است. تفاوت اندکی که بین پاداش و تقویت مثبت است این است که: در پاداش دادن به رفتار مطلوب افراد، هدف به طور عمده جنبه قدردانی و سپاسگزاری از اعمال گذشته آنها دارد و هدف، ضرورتاً تکرار آن رفتار در آینده نیست اگر چه پاداش برای یک رفتار معمولاً به تکرار آن منجر می‌شود. اما در تقویت مثبت، هدف الزاماً تکرار رفتار در آینده است. به تعریف دقیق تقویت مثبت و تقویت منفی که در زیر آمده است، توجه کنید.

● اصل تقویت مثبت

«برای این که رفتاری در کودک تقویت شود یا دوام یابد، تربیتی بدهید که پس از این که کودک هر بار رفتار مطلوب و مورد نظر را انجام داد، یک محرک مطلوب یا پاداشی به او داده شود. به بیان دیگر، هر رفتار مطلوب کودک نتیجه خوشایندی برایش به دنبال داشته باشد»^۳.

طرح تقویت مثبت

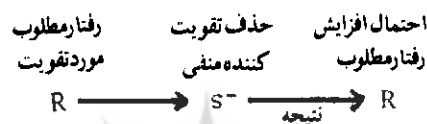


● اصل تقویت منفی

«برای این که کودکی را از انجام دادن رفتار نامطلوبی بازداریم، باید تربیتی بدهیم که هر زمان که رفتار او در جهت مطلوب تغییر کرد، به موقعیتی که برای او ناخوشایند بوده است پایان دهد»^۴.

تفاوت این دو اصل آن است که در تقویت مثبت، ارائه تقویت کننده مثبت سبب تقویت رفتار می‌شود، اما در تقویت منفی حذف تقویت کننده منفی موجب تقویت رفتار می‌شود.

طرح تقویت منفی



بر این اساس با پرستو صحبت شد و با او قرار گذاشته شد مادرش به مدت دو روز با او به مدرسه برود و در دفتر مدرسه بنشیند و تا موقع تعطیل شدن مدرسه او برای دیدن مادرش به دفتر مدرسه نرود و برای این کار در دفترش سه علامت مثبت بگذارد. بعد از دو روز، مادرش ۴ روز او را به مدرسه ببرد و هنگام تعطیل شدن مدرسه او را به خانه برگرداند. او در طول روز می‌تواند یکبار به مادرش تلفن کند، برای هر روز چهار امتیاز و اگر تلفن نکرد شش امتیاز دریافت کند. در صورتی که بیست امتیاز در طول هفته بگیرد یک جایزه از طرف هسته مشاوره تربیتی دریافت کند و نیز والدینش او را به سینمای کودکان و نوجوانان ببرند.

مصاحبه‌گر برنامه را خیلی جدی و محکم مطرح کرد و یک برگه نیز نوشت و امضا کرد و وی پیشنهاد را پذیرفت و به مصاحبه خاتمه داده شد. سپس از او خواسته شد در اتاق دیگری بنشینند تا با مادرش صحبت شود. مادر همه حرفهای پرستور پذیرفت و از او خواسته شد تا شب قبل از

مدرسه در مورد فردا و این که مدرسه خواهی رفت صحبت نکند و صبح خیلی آرام او را بیدار کند و با حفظ خونسردی صبحانه‌ای سبک به او بدهد و کمک کند تا او لباسهایش را بپوشد و او را به مدرسه ببرد. و بدون بحث و گفتگو همراه او به مدرسه برود و بگوید امروز در دفتر مدرسه هستم زنگ تفریح می‌توانی مرا ببینی. بعد از دو روز، او را به مدرسه ببرد و برگردد و از منزل خارج نشود تا هر گاه پرستو تلفن کرد ایشان در منزل باشند. تاریخ جلسه بعدی، هفته آینده اعلام شد و قرار شد بین هفته تماس تلفنی داشته و نتایج را گزارش کنند.

چهار روز از شروع برنامه درمانی گذشته بود که از مدرسه تماس گرفتند و گزارش دادند که فعلاً برنامه مرتب پیش می‌رود البته هنوز گاهی در سر کلاس یا مدرسه و نیز موقع وارد شدن به مدرسه گریه می‌کند ولی بعد از تماس تلفنی با منزل آرام می‌شود و در کلاس نیز معلمشان با برنامه‌های تشویقی او را سرگرم می‌کند.

● جلسه دوم

پرستو با مادرش در ساعت مقرر به دفتر مشاوره آمدند. مصاحبه‌گر از پرستو دعوت کرد به اتاق دیگر بروند، و در اتاق را باز گذاشت، تا واکنش او را متوجه شود. پرستو به مصاحبه‌گر نگاهی کرد و خندید. و او نیز با تبسم گفت پس در را ببند و او به راحتی در را بست و نشست. جدول امضا شده جلسه قبل را با خوشحالی نشان داد و گفت بیست و دو تا علامت مثبت گرفته است و گفت که فقط دو روز به مادرش تلفن کرده و بعد تلفن نکرده است. البته گریه کرده و ترسیده است ولی از معلم و دانش‌آموزان خجالت کشیده است و چون خیلی به او مهربانی کرده‌اند دلش نمی‌خواهد آنها فکر کنند او بچه کوچکی است.

از این که او برنامه درمانی را اجرا کرده است تشکر و از او خواسته شد که درباره مدرسه و کلاس و دوستانش با مصاحبه‌گر

حرف بزنند. با توجه به این که به یکی از دوستان همکلاسی اش علاقه داشت و هم محله نیز بودند با مادر پرستو صحبت شد و با توافق پرستو قرار شد که دوستش نیز با آنها به مدرسه رفت و آمد کنند. و قرار شد برای حضور پرستو بدون ناراحتی و گریه کردن در مدرسه، دو امتیاز مثبت در نظر گرفته شود و اگر ابراز ناراحتی کرد یک امتیاز منفی دریافت کند. و در عین حال انگیزه موثر دیگری که همراه شدن دوست او بود به برنامه درمانی اضافه شد. و طی نامه ای به معلم کلاس از او خواسته شد تا اگر او ناراحتی نکند در کنار دوست مورد علاقه اش بنشیند و در صورت ابراز نگرانی یا واکنشهای منفی برای آمدن به مدرسه از دوست خود جدا بنشیند. جلسه با اعلام تاریخ بعدی برای مصاحبه (۱۵ روز بعد) خاتمه یافت.

● جلسه سوم

پرستو با مادرش خیلی خوشحال وارد شد. بدون این که جای نشستن برای او تعیین شود خود به اتاق قلبی رفت و برگه امتیازات و نامه معلم خود را که حاکی از رضایت و پیشرفت او بود به مصاحبه گر نشان داد. اینک توجه شماره به جریان مصاحبه جلب می نمایم.

مصاحبه گر: خوب پرستو جان این مدت چطور بود.

پرستو: خیلی خوب

م: [به برگ امتیازات او نگاه کرد بدون هیچگونه نمره منفی، کل امتیازات را به دست آورده بود.]

واقعاً عالی است. حتی یک مورد نمره منفی نگرفته ای، می توانی بگویی چطور توانستی بدون حضور مادر در مدرسه باشی.

پ: با خنده گفت. خوب من بزرگ شده ام و اگر کریه کنم همه به من می خندند. خانم معلم خیلی مرا دوست دارد و در مدرسه به من خوش می گذرد.

م: اگر به منزل بروی و مادر در منزل نباشد

چکار می کنی؟

پ: حالا می دانم مادرم برای خرید بیرون رفته است والته از مادرم خواسته ام که وقتی من در مدرسه هستم خریدهایش را بکند تا وقتی از مدرسه آمدم در خانه باشد.

م: اگر مادرت از منزل بیرون برود باز ناراحت می شوی.

پ: نه، دیگر ناراحت نمی شوم.

م: دخترم می خواهی درباره پدر و مادر و برادرت صحبت کنی؟ [برادر او دانش آموز کلاس اول دبستان می باشد، و این خود می تواند در ایجاد مشکل پرستو موثر باشد با توجه به این که در نقاشی تصویری از برادرش نقاشی نکرده بود، ولی برای این که روی علتها دقیق تر بررسی شود از عنوان کردن سؤال در این باره خودداری شده بود.]

پ: مادرم، برادرم را بیشتر دوست دارد او را صبحها به مدرسه می برد و نیز برمی گرداند، برایش لباسهای تازه می خرد و اگر او وسایل مرا به هم بریزد هیچ نمی گوید.

م: به نظر شما کار درستی می کند.

پ: نه، چون بیشتر حق با من است، آخر من بزرگتر هستم.

م: به نظر شما کوچکترها چکاری باید برای بزرگترها انجام بدهند.

پ: به حرف بزرگترها گوش بدهند و آنها را اذیت نکنند.

م: خیلی خوب، شما هم با مادرت که بزرگتر است همین کار را می کنی؟

پ: گاهی.

م: چه موقع گوش نمی کنی؟

پ: کارهایی که دوست ندارم انجام بدهم.

م: آیا برادرت هم همینطور با تو عمل می کند، چه فکر می کنی؟

پ: شاید، چون تا حال از او نپرسیده ام.

م: پس می توانی دفعه دیگر که به نظر شما کار بدی کرد علت آنرا بپرسی، چون ممکن است او کار شما را دوست نداشته باشد.

م: اگر کسی کاری را که دوست ندارد،

انجام ندهد مثلاً دوست ندارد حمام برود،

چه می شود؟

پ: آدم بومی گیرد.

م: فرض کن مثلاً مدرسه نرود، چه می شود؟

پ: بیسواد می شود و نمی تواند کتاب بخواند.

م: پس به نظر تو وقتی کاری را دوست نداریم انجام دهیم باید چکار کنیم.

پ: (مکث) اگر خیلی سخت نباشد به حرف بزرگترها گوش کنیم.

م: پس خودت می توانی اینکار را بکنی و به برادرت هم یاد بدهی؟

پ: شاید، چون مطمئن نیستم او به حرف من گوش کند.

م: می توانی از پدر و مادرت بخواهی تا به او بگویند، خودت نیز با گوش دادن به حرف بزرگترها به او یاد بده که باید به حرف بزرگترها گوش کرد.

[به علت اینکه طی گزارش اولیای مدرسه و مادر پرستو و برگ امتیازات، او در رفتن به مدرسه مشکلی نداشت جریان درمان با اهدای عروسکی به پرستو پایان یافت. به مادر او توصیه شد که تماس را با دفتر مشاوره قطع نکنند و به مدت دو ماه از رفتار پرستو به دفتر مشاوره گزارش داده شود و برای اینکه او نسبت به برادرت احساس بهتری داشته باشد مسئولیتهای برادر، بردن و آوردن از مدرسه و کنترل تکالیفش به او واگذار شود. در تماسهایی که در طول ۲ ماه ادامه داشت، اولیای مدرسه و خانواده پرستو از رفتار او رضایت کامل داشتند.]

● پی نوشتها

- ۱ - فرزای، آناولوریو: نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، ص ۱۰۲
- ۲ - همان منبع، ص ۱۰۶
- ۳ - کرومبولتز، جان دی. هلن، پی: تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، ترجمه و تألیف دکتر یوسف کریمی، ص ۱۰
- ۴ - همان منبع، ص ۲۱۱